

دانشکده علوم انسانی
گروه فقه و حقوق اسلامی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی

روش شناسی نظریه فقهی فهم اجتماعی نصوص

استاد راهنما :

دکتر علی تولائی

استاد مشاور :

دکتر عباس کلانتری خلیل آباد

پژوهش و نگارش :

الهام اسکندری

اسفند ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

پیشگاه امام عصر (عج الله تعالی فی فرجه)

او که با آمدنش همه اختلاف ها از میان برخواهد خاست .

قدردانی و تشکر

سپاس خداوند را بر آنچه از وجود مبارکش به ما شناسانده و بر آنچه از شکرش به ما الهام فرموده و بر آن درهای دانش که به پروردگاریش بر ما گشوده است. پایان نامه حاضر در سایه رهنمودهای بی شائبه و توجهات بی دریغ استاد بزرگوار و ارجمندم جناب آقای دکتر علی تولائی (استاد راهنما) و توصیه های ارزنده استاد محترم جناب آقای دکتر عباس کلانتری (استاد مشاور) نگارش یافت. از این رو بر خود فرض می بینم در همین آغاز از ایشان نهایت سپاس و تشکر را داشته باشم.

چکیده

نظریه محمد جواد مغنیه با عنوان « فهم اجتماعی نصوص » ، تکامل مکانیسم تنقیح مناط در فرایند اجتهاد است که بر پایه ی مبانی و ضوابطی چون: « مقاصد شریعت » ، « عرف » و « ظهور سیاقی » شکل گرفته است. توجه به مقاصد شریعت با عنایت به عنصر زمان و مکان ، نوعی مناسبت قطعی میان موضوع و حکم ، ایجاد کرده و ظهوری را برای متن کلام شارع رقم می زند که بر اساس اصل عقلایی حجیت ظهور ، اعتبار خواهد داشت. فهم عرفی جدید از موضوع مذکور در متون روایت ، الغای خصوصیت می کند و این فرصت برای فقیه فراهم می شود که به تفسیر و توسعه موضوع بپردازد و به کشف احکام اولیه درباره آن نائل شود.

نظریه « فهم اجتماعی نصوص » در آن دسته از احکام شرعی کاربرد دارد که بر اساس مصالح اجتماعی انسان وضع شده است ، نه صرف طبیعت انسانی و همچنین قرینه ای دال بر عدم تفسیر نص وجود نداشته باشد. بنابراین احکام عبادی از محدوده اعمال این قاعده خارج شده و نظریه با حفظ شرایط ، در مسائل معاملی و اجتماعی قابل اجرا خواهد بود. یکی از مهم ترین نتایج حاصل از این نظریه آن است که نصوص و روایات موجود این قابلیت را دارند که برای بسیاری از موضوعات جدید بتوان همچنان حکم اولی صادر نمود ، بدون آن که به ورطه قیاس کشیده شویم یا بیش از اندازه به عناوین ثانویه تمسک جوئیم ؛ نتیجه ای که به گفته شهید صدر: «... گره بزرگی را در فقه می گشاید».

کلمات کلیدی :

فهم اجتماعی ، تنقیح مناط ، مقاصد شریعت ، عرف ، ظهور سیاقی ، مناسبت حکم و موضوع

« فهرست مطالب »

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۵	کلیات.....
۷	۱- تعریف مسأله و نظن سؤال های اصلی تحقیق.....
۸	۲- پیشینه تحقیق.....
۹	۳- ضرورت و اهداف تحقیق.....
۱۰	۴- فرضی های تحقیق.....
۱۰	۵- روش تحقیق.....
۱۱	۱- مروری بر زندگی و شخصیت علمی.....
۱۳	۱-۱-۱ خاندان ، تولد ، تعلیم و تعلم.....
۱۳	۱-۱-۱-۱ آل مغربی.....
۱۴	۱-۱-۱-۲ محمد جواد مغربی.....
۱۴	۱-۱-۲-۱ دوران کودکی و جوانی.....
۱۶	۱-۱-۲-۱-۱ بازگشت به لبنان.....
۱۶	۱-۱-۲-۲-۱-۱ مرحله اول.....
۱۷	۱-۱-۲-۲-۲-۱-۱ مرحله دوم.....
۱۷	۱-۱-۲-۲-۳-۱-۱ مرحله سوم.....
۱۹	۲-۱-۱ حیات فرهنگی و اجتماعی.....
۱۹	۱-۲-۱-۱ مبارزه با استعمار.....

- ۲۰ ۱-۲-۱ روشنگری در مسأله فلسطین
- ۲۱ ۲-۱-۲ سرزنش سرکاستمداران
- ۲۱ ۳-۱-۲ سرزنش علما
- ۲۲ ۴-۱-۲ حمایت از انقلاب اسلامی
- ۲۲ ۲-۲-۱ ضرورت اصلاح حوزه
- ۲۳ ۳-۲-۱ تقریب مذاهب
- ۲۴ ۴-۲-۱ ایجاد برخی تغییرات در حوزه قضایی لبنان
- ۲۵ ۵-۲-۱ تألیف در دفاع از مذهب امامی
- ۲۶ ۳-۱ آثار
- ۲۶ ۱-۳-۱ فقه و اصول فقه
- ۲۷ ۲-۳-۱ کلام و عقاید ، فلسفه ، اخلاق
- ۳۱ ۳-۳-۱ تاریخ اسلام
- ۳۲ ۴-۳-۱ علوم قرآنی و حدیث
- ۳۳ ۵-۳-۱ سایر کتاب ها
- ۳۴ ۶-۳-۱ مقالات
- ۳۶ ۴-۱ نوآوری ها در دانش فقه و اصول
- ۳۶ ۱-۴-۱ ویژگی های صوری
- ۳۷ ۱-۴-۱ عنوان های گوئی
- ۳۷ ۲-۱-۴ پرهیزی از مباحث بی فایده
- ۳۸ ۳-۱-۴ طرح فروع مبتلا به

- ۳۹ ۱-۴-۲ روش استنباطی.....
- ۳۹ ۱-۴-۲ تفاوت بقی نصوص عبادات و معاملات.....
- ۴۰ ۱-۴-۲ نقش زمان و مکان.....
- ۴۱ ۱-۴-۳ نقش عرف در عملیات استنباط.....
- ۴۳ ۲- پیشینه نظری.....
- ۴۵ ۱-۲ تعدی از نص در فقه امامی.....
- ۴۶ ۱-۲-۱ کشف علت حکم (مناط).....
- ۴۷ ۱-۱-۲ تحویق مناط.....
- ۴۷ ۲-۱-۲ تخریج مناط.....
- ۴۸ ۳-۱-۲ تنويع مناط.....
- ۴۹ ۱-۳-۱-۲ تنويع مناط از منظر فقهای امامیه.....
- ۵۰ ۱-۲-۳-۲ تفاوت تنويع مناط با قیاس مستنبط العاقه.....
- ۵۱ ۱-۲-۳-۳ تفاوت تنويع مناط با قیاس منصوص العاقه.....
- ۵۲ ۱-۲-۳-۴ تفاوت تنويع مناط با قیاس اولویت.....
- ۵۳ ۱-۲-۳-۵ مصادیق تنويع مناط.....
- ۵۳ ۱-۲-۳-۱-۵ مسأله برخورد آب قزلی با نجاست.....
- ۵۵ ۱-۲-۳-۲ احرام بستن دختر بچه.....
- ۵۵ ۱-۲-۳-۳ شرطیت علم به اجرت در اجاره.....
- ۵۶ ۱-۲-۲ مبنای مکایم دست یابی به علت در تنويع مناط.....
- ۵۹ ۲-۲ قاعده اقتصار بر نص.....

- ۶۰ ۱-۲-۲ مفهوم لغوی واژه « اصل » در قاعده اقتصار.
- ۶۰ ۲-۲-۲ معنای اصطلاحی واژه « اصل ».
- ۶۰ ۱-۲-۲-۲ دلیلی.
- ۶۰ ۲-۲-۲-۲ راجح.
- ۶۱ ۳-۲-۲-۲ اصول عملیه.
- ۶۱ ۴-۲-۲-۲ اصل در برابر فرع.
- ۶۱ ۵-۲-۲-۲ قاعده.
- ۶۴ ۳-۲-۲ محدود و مصادیقی قاعده اقتصار.
- ۶۴ ۱-۳-۲-۲ عبادات.
- ۶۴ ۱-۱-۳-۲-۲ مسأله وجوب قضای نماز فوت شده پدر بر پسر بزرگتر.
- ۶۵ ۲-۱-۳-۲-۲ مسأله جاهل به حکم بطلان روزه مسافر.
- ۶۵ ۳-۱-۳-۲-۲ مسأله فراموش کردن تلبی در حج.
- ۶۶ ۲-۳-۲-۲ عقود.
- ۶۶ ۱-۲-۳-۲-۲ معلوم بودن مدت در نیت سلم.
- ۶۶ ۲-۲-۳-۲-۲ تدلیس در نکاح.
- ۶۷ ۳-۳-۲-۲ احتیاعات.
- ۶۷ ۱-۳-۳-۲-۲ احکام مال کسبی در نذر.
- ۶۸ ۲-۳-۳-۲-۲ طلاق زوجه شخص مفقود.
- ۶۹ ۴-۳-۲-۲ احکام.
- ۶۹ ۱-۴-۳-۲-۲ شهادت اهل کتاب.

۶۹	۲-۲-۳-۴-۲ قصاص مادر در قتل فرزند
۷۱	۳-۲ جمع بندی
۷۳	۳- مباری نظری
۷۵	۱-۲ اصل حجیت ظهور
۷۶	۱-۱-۳ اقسام اصول لفظی
۷۶	۱-۱-۱-۳ اصالة الحقیقه
۷۷	۲-۱-۱-۳ اصالة العموم
۷۷	۳-۱-۱-۳ اصالة الاطلاق
۷۸	۴-۱-۱-۳ اصالة عدم التقدی
۷۸	۵-۱-۱-۳ اصالة الظهور
۷۹	۲-۱-۳ حجیت اصول لفظی
۸۰	۲-۲ دلالت های لفظی و سرطقی
۸۰	۱-۲-۳ ظهور لفظی
۸۱	۲-۲-۳ ظهور سرطقی
۸۳	۱-۲-۲-۳ اقسام دلالت سرطقی
۸۳	۱-۱-۲-۲-۳ ظهور سرطقی حالی
۸۳	۲-۱-۲-۲-۳ ظهور سرطقی عرفی
۸۴	۲-۲-۲-۳ اهمیت دلالت سرطقی
۸۶	۳-۳ فهم عرفی و اجتماعی
۸۶	۱-۳-۳ تعریف عرف

- ۸۷ ۲-۳-۳ رابطه عرف با عادت.
- ۸۸ ۳-۳-۳ شرایط اعتبار عرف.
- ۸۸ ۱-۳-۳-۳ فراغی بودن عرف.
- ۸۹ ۲-۳-۳-۳ عدم مخالفت با ادله شرعی.
- ۸۹ ۳-۳-۳-۳ وجود عرف قبل از انجام کار.
- ۸۹ ۴-۳-۳-۳ الزام آور بودن عرف.
- ۹۰ ۵-۳-۳-۳ عدم وجود قول بی عملی که عکس عرف را ثابت می کند.
- ۹۰ ۴-۳-۳-۳ اقسام عرف.
- ۹۱ ۱-۴-۳-۳ تفسیر عرف به اعتبار مظهر.
- ۹۱ ۱-۱-۴-۳-۳ عرف قولی.
- ۹۱ ۲-۱-۴-۳-۳ عرف عملی.
- ۹۱ ۲-۴-۳-۳ تفسیر عرف به اعتبار منبع.
- ۹۲ ۱-۲-۴-۳-۳ عرف عام.
- ۹۲ ۲-۲-۴-۳-۳ عرف خاص.
- ۹۲ ۳-۲-۴-۳-۳ عرف شرعی.
- ۹۳ ۳-۴-۳-۳ تفسیر عرف به اعتبار مشروعیت.
- ۹۳ ۱-۳-۴-۳-۳ عرف صحیح.
- ۹۳ ۲-۳-۴-۳-۳ عرف فاسد.
- ۹۴ ۵-۳-۳ جایگاه عرف در استنباط احکام از منظر امامی.
- ۹۷ ۶-۳-۳ موارد کاربرد عرف.

- ۳-۳-۱-۶ کشف حکم شرعی در موارد فقدان نص..... ۹۷
- ۳-۳-۲-۶ تشخیص مفاهیم ، حدود و مصادیق..... ۹۷
- ۳-۳-۳-۶ کشف مراد گوینده در هنگام اطلاق کلام وی..... ۹۹
- ۳-۴-۱-۱ مناسبت های ملکن حکم و موضوع..... ۱۰۱
- ۳-۴-۱-۲ تأثیری زمان و مکان در استنباط حکم شرعی..... ۱۰۲
- ۳-۴-۱-۱-۱ تطبیق موضوعات بر مصادیق..... ۱۰۳
- ۳-۴-۱-۱-۱-۱ استطاعت..... ۱۰۳
- ۳-۴-۱-۱-۲ مصداق عیب..... ۱۰۴
- ۳-۴-۱-۲-۱ تغییر حکم به واسطه تغییر ملاک حکم..... ۱۰۴
- ۳-۴-۱-۲-۱-۱ خرید و فروش خون..... ۱۰۴
- ۳-۴-۱-۲-۲ بپزند اعضا..... ۱۰۴
- ۳-۴-۱-۳ توسعه محدوده مصادیق برای موضوعات..... ۱۰۵
- ۳-۴-۱-۳-۱ دفاع از اسلام..... ۱۰۵
- ۳-۴-۱-۳-۲ سبق و رمایی..... ۱۰۵
- ۳-۴-۱-۴ تغییر شیوه های اجرای احکام..... ۱۰۶
- ۳-۴-۱-۴-۱ حفظ محیط زیست..... ۱۰۶
- ۳-۴-۱-۴-۲ غنائم جنگی..... ۱۰۶
- ۳-۴-۲ مقاصد شریعت..... ۱۰۷
- ۳-۵ جمع بندی..... ۱۱۰
- ۴- روش شناسی و کاربرد عملی نظری..... ۱۱۱

- ۱۲۳.....۲-۴-۱-۲-۴ شهادت بر شهادت.....
- ۱۲۳.....۲-۲-۴ مصادیق کاربرد نظری فهم اجتماعی نصوص.....
- ۱۲۳.....۱-۲-۲-۴ احکام مدنی.....
- ۱۲۴.....۱-۱-۲-۲-۴ حرمت خرید و فروش اعطای نجس و متنجس.....
- ۱۲۴.....۲-۱-۲-۲-۴ مصادیق زکات فطره.....
- ۱۲۵.....۳-۱-۲-۲-۴ بحث احتکار.....
- ۱۲۵.....۴-۱-۲-۲-۴ خطله حیوان.....
- ۱۲۶.....۵-۱-۲-۲-۴ خطله تلخی.....
- ۱۲۷.....۶-۱-۲-۲-۴ ربای نین مادر و فرزند.....
- ۱۲۸.....۷-۱-۲-۲-۴ مسأله سبق و رمای.....
- ۱۲۹.....۲-۲-۲-۴ احکامی که وسطه ای برای رسیدن به امر دیگری هستند.....
- ۱۲۹.....۱-۲-۲-۲-۴ طهارت اهل کتاب.....
- ۱۳۰.....۲-۲-۲-۲-۴ ابزار ذبح.....
- ۱۳۱.....۳-۲-۲-۲-۴ مدت و راه های وصول به حقین.....
- ۱۳۳.....۳-۴ جمع بندی و نتیجه گیری.....
- ۱۴۱.....فهرست منابع.....

آنچه از تعالیم دین مبین اسلام به دست می آید نشان دهنده آن است که شریعت اسلام تک بعدی نبوده و شامل تمامی ابعاد زندگی انسانها، خواه فردی یا اجتماعی می شود. بر همین اساس شاهد هستیم احکام اسلامی به همان اندازه که در امور شخصی و خصوصی افراد وارد می شود، برای یک جامعه اسلامی از نظر روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز قوانین و احکام خاصی وضع می نماید. به همین دلیل فقها و علمای اسلام در طول تاریخ، نه تنها به استخراج حکم شرعی برای ابعاد زندگی فرد پرداخته اند، بلکه سعی نموده اند جنبه ی زندگی اجتماعی وی را نیز در نظر داشته و قوانین کلی برای اداره جامعه ی او را از منابع شرعی به دست آورند.

این عملیات که پس از عصر پیامبر اکرم (ص) فرایند اجتهاد را در میان فقهای اسلامی به وجود آورد، به دلیل تحولات و تنش های سیاسی جوامع اسلامی همواره با نوساناتی همراه بوده است؛ بدین ترتیب که گاه فقیه تنها به مسائل مربوط به جنبه ی فردی اشخاص می پرداخت و زمانی که فضا برای پرداختن به مسائل اجتماعی به وجود می آمد، به فراخور بستر ایجاد شده این مسائل نیز در کتاب های ایشان زمینه بروز پیدا می کرد.

یکی از ابتدایی ترین مواردی که در فرایند استنباط حکم شرعی توسط فقیه انجام می گیرد، فهم صحیح متون دینی است که وی در اختیار داشته و بر اساس آن می خواهد به حکم شرعی دست پیدا کند. بنابراین شاهد آن هستیم اولین مباحثی که در اصول فقه به عنوان ابزاری برای شناخت و درک ادله شرعی به کار می رود شامل مباحث الفاظ است؛ زیرا با توجه به این مباحث، بیشترین درک و استنباط از ادله برای دست یافتن به حکم شرعی حاصل می شود. در این میان مهمترین ابزاری که پایه و زیر بنای دیگر قواعد در این بخش را تشکیل می دهد، بحث «اصالة الظهور» است؛ چرا که در مواجهه با یک متن دینی، دلالت های لفظی و سیاقی متن بر اساس حجیت ظهور شکل گرفته و منجر به استنباط حکم از ظاهر دلیل می شوند. در اینجاست که سؤالی قابل طرح است: آیا این دلالت ها برای فهم دلیل کافی است؟ آیا برداشت های عمومی و دریافت های مشترکی که

عرف از متن نصوص دارد، نمی تواند ظهوری جدید برای دلیل فراهم کند؟ مرحوم شیخ محمد جواد مغنیه جواب این سؤال را مثبت می داند و بر اساس این پاسخ، نظریه ای فقهی بنیان می نهد که امروزه از آن با نام «فهم اجتماعی نصوص» یاد می شود. وی در کتاب فقهی خود با عنوان «*فقه الامام جعفر الصادق (ع) عرض و استدلال*» بر اساس دیدگاهی که طبق این نظریه شکل گرفته است به موضوعات فقهی پرداخته و طرحی نو برای ساختار مسائل فقهی ارائه می کند.

اگر آنچنان که مغنیه قائل است، پاسخ این پرسش مثبت باشد، باید شاهد تحولی بزرگ در

فرایند اجتهاد بود. این تحقیق در صدد بررسی این فرضیه و پاسخگویی به این سؤال است تا در

صورت اثبات، ضوابط، محدوده اعمال و تاثیرات آن را در فقه مشخص سازد.

منابع استفاده شده در این تحقیق شامل سه بخش روایی، اصولی و فقهی است؛ بدین ترتیب که

در بخش روایی از کتبی چون «*الاستبصار*» شیخ طوسی و «*وسایل الشیعه*» حر عاملی استفاده

شده است. در دو بخش اصولی و فقهی از آنجا که تبیین این نظریه مستلزم بررسی آرای دیگر فقها و

اصولیان در مباحث الفاظ و به کارگیری نقش آن در استنباط حکم شرعی است، کتاب های متعددی

مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته اند که مهمترین آنان در زمینه اصول عبارتند از: «*المستصفی*» اثر

محمد غزالی، «*دروس فی علم الاصول*» و «*معالم الجدیة للاصول*» دو اثر ارزشمند شهید سید

محمد باقر صدر، «*الاصول العامة للفقہ المقارن*» نوشته سید محمد تقی حکیم و «*علم اصول الفقه*

فی ثوبه الجدید» اثر محمد جواد مغنیه. در زمینه فقهی نیز مهمترین کتب استفاده شده شامل: «

مسائلک الافهام» نوشته شهید ثانی، «*جواهر الکلام*» اثر گران سنگ صاحب جواهر، «*العروة*

الوثقی» اثر طباطبایی یزدی، «*الحدائق الناضرة*» نوشته محقق بحرانی و «*فقه الامام جعفر الصادق*

(ع) عرض و استدلال» به قلم محمد جواد مغنیه است.

تحقیق حاضر در چهار فصل تنظیم گردیده است: فصل نخست، نگاهی گذرا بر زندگی و

شخصیت علمی شیخ محمد جواد مغنیه دارد. در فصل دوم، پیشینه موضوع مورد بحث در تاریخ

اجتهاد امامیه بررسی می شود تا مشخص گردد نظریه ای که مغنیه ارائه می کند ادامه دهنده یا به

عبارتی دیگر تکمیل کننده چه روندی در فرایند اجتهاد است. در فصل سوم، مبانی نظریه ای که مغنیه

مطرح کرده است مورد ارزیابی قرار گرفته و در فصل آخر ، با تبیین گستره ی نظریه و بیان مصادیق فقهی آن ، محدوده ی کاربرد عملی آن در مسائل فقهی مشخص می گردد.

محمد جواد مغنیه در زمره عالمانی است که دغدغه ی اصلی و اساسی آنان ، اعتلای شریعت اسلامی و گسترش فرهنگ دینی است. شکل گیری نظریه فهم اجتماعی نصوص توسط وی نیز از جمله کارهایی بود که او در راستای تحقق این هدف به انجام رسانید و باید اذعان کرد ، عملیاتی کردن دقیق این نظریه را می توان یکی از تحولات مهم فرایند اجتهاد در فقه امامیه دانست. در پایان بر خود فرض می دانم برای روح این فقیه عالیقدر و عالم ربانی علو درجات را از خداوند منان خواستار شوم.

الهام اسکندری

اسفند ۱۳۸۸

کلیات

۱- تعریف مسأله و بیان سؤال های اصلی تحقیق

فقهای امامیه همواره در تلاش بوده اند با توجه به آنچه از نصوص و ادله که در اختیار داشته اند، احکام فردی و اجتماعی مورد نظر شارع را کشف کرده و در اختیار مسلمانان قرار دهند. از آنجا که بسیاری از احکام شرعی که به دست ما رسیده در قالب پاسخ هایی است که به پرسش راویان داده شده و سؤالات راویان نیز در بیشتر مواقع، مربوط به حالت ها و موضوعات خاصی بوده است نه پرسش از قوانین کلی، به همین جهت از مسائل مهمی که علما همواره با آن درگیر بوده اند، استخراج احکام کلی بر اساس روایاتی است که در مورد مصادیق خاص بیان شده اند و در ادامه، دست یافتن به حکم شرعی برای موضوعات جدیدی که در متن روایات به آنان اشاره نگردیده و نامی از آنها برده نشده است. این مسأله در طول تاریخ فقه علما را بر آن داشت راهکارهایی را برای دست یابی به چنین احکامی به وجود آورند.

از جمله راهکارهایی که در فقه امامیه پدید آمد، مکانیسم تنقیح مناط بود. با به کار گیری این روش در فرایند اجتهاد، فقیه می توانست اوصاف زائیدی که در روایت آمده را کنار گذاشته و به علتی که منجر به حکم شرعی شده است، دست یابد. بدین ترتیب وی می توانست آن حکم را به تمامی مواردی که دارای آن علت بودند تعمیم دهد و بر این اساس، حکم شرعی مصادیق دیگری را بیابد که در متن حدیث نیامده بودند. نکته قابل اهمیت در این مسأله آن بود که فقها از این راهکار بیشتر در محدوده موضوعات عبادی و احکام فردی استفاده کردند تا در گستره احکام اجتماعی. ایشان در محدوده احکام معاملی و اجتماعی بیش از آن که تنقیح مناط را به کار گیرند، در مسائل پیش آمده بر اساس عناوین ثانویه دست به افتا می زدند.^۱

در این میان شیخ محمد جواد مغنیه نظریه ای را مطرح کرد مبنی بر آن که برای فهم نصوص

دینی تنها ظهور لفظی و سیاقی کافی نیست؛ بلکه فهم اجتماعی عرف نیز نقشی مؤثر در فرایند

۱- نک: شهید ثانی زین الدین، مسالک الافهام، چاپ اول، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۴۱۳ ق، ج ۵، ص ۱۷۸؛ نجفی محمد حسن، جواهر الکلام، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۶۷ش، ج ۲۲، ص ۴۸۳ و ج ۳۶، ص ۹۹؛ انصاری مرتضی، المکاسب، چاپ اول، الهادی، قم، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۵۷.

استنباط حکم شرعی دارد. وی قائل بود نظام عبادی اسلام، نظامی غیبی است و با برداشت های اجتماعی ارتباطی ندارد؛ اما نصوص مربوط به زندگی اجتماعی همانند معاملات، نیازمند اعمال برداشت های اجتماعی و جمع میان نص و مصلحت روشن و قطعی حکم است. از آنجا که برطبق نظریه ی مغنیه مکانیسم تنقیح مناط در مسائل معاملی و اجتماعی به صورتی ضابطه مند در گستره ای تعریف شده قابل اجرا بود، نظریه ی وی را باید تکامل مکانیسم تنقیح مناط دانست. از این رو این سؤال اساسی پیش می آید که روش اعمال و کاربرد این نظریه چگونه است؟ از آنجا که فهم نصوص دینی از سوی فقیه بر اساس اصل «حجیت ظهور» صورت می گیرد، برای پاسخگویی به این پرسش ابتدا باید سؤالات دیگری را جواب دهیم. این پرسش ها عبارتند از:

- فهم نصوص دینی مبتنی بر چه نوع ظهوری است؟
 - آیا ظهور لفظی و سیاقی برای فهم دلیل کافی است؟
 - آیا فهم اجتماعی که مطابق با برداشت های عمومی و دریافت های مشترک از متن نصوص است، می تواند در فهم دلیل دخیل باشد؟
 - مناسبات میان حکم و موضوع چه تأثیری در فهم نصوص دارد؟
 - فهم اجتماعی نصوص در چه موضوعات و در کدام دسته از ادله قابل اجرا است؟
- آنچه این تحقیق در صدد انجام آن است، پاسخگویی به این پرسش هاست تا همه جوانب این نظریه به دقت مورد بررسی قرار گرفته و درنهایت روش اعمال و کاربرد آن روشن گردد.

۲ - پیشینه تحقیق

هرچند مغنیه در کتاب «*فقه الامام جعفر الصادق (ع)*» راهکار «اجتهاد در تفسیر نص» را مطرح کرد و آن را به صورتی کاربردی نشان داد، باید اذعان کرد شهید صدر نخستین کسی است که به این نظریه توجه نمود و در ضمن مقاله ای با عنوان «*الفهم الإجتماعی للنص فی فقه الامام الصادق (ع)*» بر اهمیت و جایگاه آن در فقه و پاسخ به مشکلات و مسائل نو تأکید کرد و عنوان «*فهم اجتماعی نصوص*» را بر آن نام نهاد. این مقاله که در ضمن کتابی با عنوان «*همراه با تحول اجتهاد*»